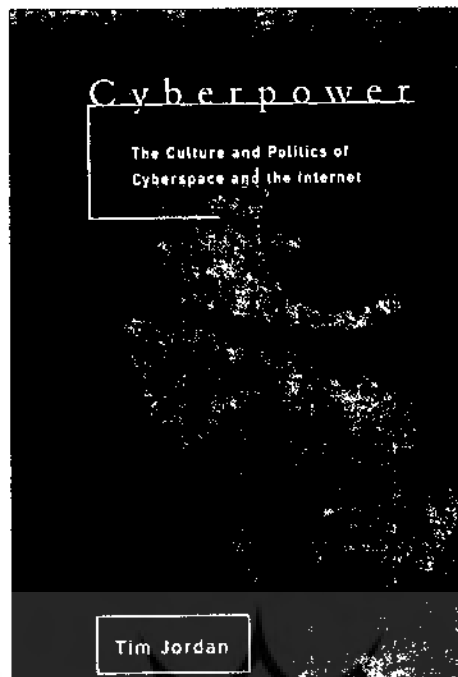


واقعی و قدرت مجازی تفکیک قائل می‌شود: در جهان مجازی اینترنت، هیچکس بدن واقعی خود را به همراه ندارد و به همین ترتیب نیز زندگی مجازی تابع روابط متفاوتی از قدرت است، قدرتی که آن نیز مجازی است و در فضا و سرزمینی مجازی در جریان است. تیم جوردن برای بررسی قدرت مجازی، در ابتدا قدرت را از دیدگاه «ماکس وبر» و سپس فوکو مورد مطالعه قرار می‌دهد. «وبر» قدرت را به مثابه «دارایی» درک می‌کند، حال آن که «فوکو» قدرت را در رابطه با سلطه می‌فهمد. جوردن سعی دارد تا از طریق طرح این مباحث توشه نظری مناسبی برای بررسی قدرت در فضاهای مجازی به دست آورد، قدرت مجازی از آنچه تاکنون تحت عنوان «پیگرد الکترونیکی» مورد بحث قرار می‌گرفت مفهومی وسیع‌تر دارد، که برای بررسی دقیق‌تر باید آن را از زاویه اجتماعی، فردی، رویای جمعی و بالاخره فضای سایبرنتیکی مطالعه کرد تا از این طریق بتوان تفکیکی مابین قدرت فردی و اجتماعی در واقعیت و مجاز قایل شد.

برای درک مسئله، جوردن مثال ساده‌ای را می‌آورد: در فضای سایبرنتیک ما شاهد افرادی هستیم که آنها را اصطلاحاً «هاکر» می‌نامند. تحقیقات ثابت کرده که این‌ها از نظر اجتماعی معمولاً بسیار محروم‌اند و کامپیوترهای قوی ندارند اما در عوض دارای دانشی عظیم ولی خوداندوخته درباره کامپیوتر، فضای سایبرنتیکی و تلفن می‌باشند که با استفاده از دانش خود موفق به نفوذ در شبکه‌های سایبرنتیکی می‌گردند تا قدرت خود را بر آنها اعمال کنند و به این ترتیب نظم قدرت اجتماعی واقعی را در فضای مجازی برهم زنند. به عبارت ساده‌تر، فردی با قدرت بسیار محدود اجتماعی (معمولاً فرزندان اقشار نسبتاً پایین جامعه) در فضای مجازی به درجه‌ای از قدرت می‌رسد که می‌تواند کارکرد شبکه‌های عظیم و قدرتمند فضاهای اجتماعی مجازی (و البته واقعی) را کاملاً مختل نماید.

او معتقد است که فرد در فضای مجازی و در رابطه با اجتماع مجازی شکل‌دهنده آن می‌تواند با «انگاره‌ای» متفاوت از «واقعیت» خود حرکت کند، به این ترتیب هویت فرد مجازی متفاوت از هویت فرد واقعی می‌شود. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که هویت و ساختار هرم‌گونه قدرت در فضای سایبرنتیکی می‌تواند با واقعیت تفاوت داشته باشد، در فضای سایبرنتیک نظمی حاکم نیست و بنابراین قدرت نیز ماهیتی کاملاً متفاوت و غیرهرم‌گونه پیدا می‌کند.

جوردن در بررسی سیاست و فرهنگ فضاهای سایبرنتیکی به تفکیک «On-Line» یعنی رابطه «هم‌زمان» و «Off-Line» یا رابطه «در زمان» مابین افراد و شبکه‌ها می‌پردازد تا بحثی پیچیده و فلسفی را درباره جهان «آینده» به زبانی فوق‌العاده ساده ارائه کند، چرا که جوردن به ذهنیت پیچیده فرانسویانی چون فوکو تعلق ندارد، بلکه از زاویه امپریسم انگلیسی پیچیدگی‌ها را ساده می‌کند.



## قدرت سایبرنتیک

فرهنگ و سیاست  
در فضای سایبرنتیک و اینترنت

در فضای اینترنت افراد محروم اجتماعی، با استفاده از دانش عظیم خود در شبکه نفوذ می‌کنند و قدرت خود را اعمال می‌کنند و به این ترتیب نظم قدرت اجتماعی واقعی را در فضای مجازی بر هم می‌زنند

Cyberpower: The Culture and Politic of  
Cyberspace and the Internet  
Tim Jordan  
Routledge, ۱۹۹۹

### چکیده

تژا میرفخرایی  
عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - گروه ارتباطات

باتوجه به اهمیت روزافزون اینترنت در جوامع کنونی جای خالی کتابی که از زاویه‌ای فرهنگی- اجتماعی به بررسی سیاست اجتماعی به کارگیری اینترنت بپردازد به شدت حس می‌شود. تیم جوردن استادیار دانشگاه جنوبی لندن، در همین راستا به بررسی مسئله قدرت در اینترنت می‌پردازد و مباحث پیچیده‌ای در رابطه با فضا، قدرت، جامعه، فرد و رویای مجازی و واقعی ارائه می‌کند.

اصلی‌ترین مفاهیم مورد بحث کتاب، «قدرت» و «فضای سایبرنتیکی» است که البته جوردن برای فهم آنها در اولین قدم، مفهوم «مجاز» یعنی عمده‌ترین مشخصه فضای سایبرنتیکی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. مجاز، تولد دوباره واقعیت فیزیکی در فضایی «غیرفیزیکی» در سرزمینی مجازی است که در آن زندگی مجازی در جریان و جوامع مجازی در کنش می‌باشند.

در قدم بعدی او به بررسی قدرت که تعاریف متفاوت و گاه متضادی از آن وجود دارد می‌پردازد؛ قدرت به آن چیزهایی اطلاق می‌شود که تعیین‌کننده چگونگی کیفیت زندگی می‌باشند. جوردن مابین قدرت

تیم جوردن استادیار دانشگاه جنوبی لندن، در این کتاب به بررسی مسئله قدرت در اینترنت می‌پردازد. وی با استفاده از نظریه‌های «وبر» و «فوکو»، بین قدرت واقعی و قدرت مجازی تفکیک قایل می‌شود. جوردن معتقد است «مجاز» عمده‌ترین مشخصه فضای سایبرنتیکی است. به نظر او قدرت مجازی مفهومی وسیع‌تر از «پیگرد الکترونیکی» دارد. بر این مورد او اخلاک‌گرا را مثال می‌زند که معمولاً از طبقات محروم اجتماع هستند. اما به علت برخورداری از دانش عظیم درباره کامپیوتر، فضای سایبرنتیکی و تلفن می‌توانند در فضای مجازی به درجه‌ای از قدرت برسند که کارکرد شبکه‌های عظیم و قدرتمند فضاهای مجازی اجتماعی (و در نتیجه فضاهای واقعی اجتماعی) را کاملاً مختل کنند. او نتیجه می‌گیرد که در فضای سایبرنتیک ساختار قدرت غیرهرمی است و با ساختار قدرت در فضای واقعی تفاوت کلی دارد. او بحثی پیچیده و فلسفی را درباره جهان آینده به زبانی بسیار ساده مطرح می‌کند.

به جای تعمیم دادن مطالعات رسانه‌ای  
انجام شده در کشورهای غربی  
به جهان سوم، وقت آن رسیده است  
که مطالعه‌ای مستقل در مورد رسانه‌ها و  
قدرت در سازمان اجتماعی  
این کشورها انجام شود



## غیر غربی کردن مطالعات رسانه‌ای

De-Westernizing Media Studies  
James Curran and Myung-Jin Park (eds)  
Routledge, ۲۰۰۰

### چکیده

جیمز کوران، استاد ارتباطات دانشگاه لندن و یکی از نظریه‌پردازان سرشناس رویکرد اقتصادی - سیاسی در سطح جهان به همراه می‌یونگ جین پارک استاد ارتباطات دانشگاه ملی سنول کتابی تدوین کرده‌اند با عنوان «غیر غربی کردن مطالعات رسانه‌ای» که مجموعه مقالات ارزشمندی است درباره اینکه چگونه رسانه‌ها با قدرت در جامعه ارتباط برقرار می‌کنند؛ چه کسی، چگونه رسانه‌ها را تحت نفوذ خود دارد و طبیعت قدرت رسانه‌ای و تأثیر فرآیند جهانی شدن در رسانه‌ها و جامعه چیست.

این دو معتقدند به جای آنکه نتایج مطالعات رسانه‌ای که در چند کشور ثروتمند غربی انجام شده به جهان سوم تعمیم ندهد، باید مطالعه مستقلی در مورد رسانه‌ها و ارتباط آنها با قدرت در این کشورها انجام شود.

چیست؟ چگونه، فرآیند جهانی شدن، رسانه‌ها و جامعه را تغییر می‌دهد؟

این دو برای آنکه جایگاه نظری ملاک انتخاب خود را برای گردآوری مقالات توضیح دهند در اولین قدم به انتقاد از نظریه‌های «نوگرایی» و سپس به طرح کلی نظریه امپریالیسم رسانه‌ای در شرایط فعلی و آنگاه به نقد حرکت جهانی سرمایه می‌پردازند و در نهایت با انتقاد از رویکرد مطالعه فرهنگی فرانوگرایانه که به فرآیند «جهانی شدن» بسیار مثبت می‌نگرد، اهداف خود از تدوین این کتاب را به طور خلاصه در معرض قضاوت خوانندگان قرار می‌دهند.

کوران و می‌یونگ - جین پارک مطرح می‌کنند که به جای بسط و تعمیم مطالعات رسانه‌ای انجام شده در چند کشور ثروتمند غربی به جهان سوم، وقت آن رسیده است که مطالعه‌ای مستقل در مورد رسانه‌ها و قدرت در سازمان اجتماعی این کشورها انجام شود. آنها در همین راستا و ارزیابی نقش مثبت یا منفی فرآیند جهانی شدن، بیش از ۲۲ مقاله را که نتیجه «موردپژوهی» رابطه مابین رسانه‌ها، قدرت و جوامع جهان سوم است ارائه می‌کنند، مقالاتی که گاه به نتایج خیره کننده‌ای می‌رسند؛ مثلاً سیلویو ویسورد عدم برخورد انتقادی بعضی روزنامه‌نگاران در آفریقای جنوبی را تأثیر نظریه غربی «مطبوعات به مثابه ستون چهارم حکومت» بر ذهنیت روزنامه‌نگاران این سامان می‌داند.

کوران و می‌یونگ - جین پارک نتیجه می‌گیرند که دنباله‌روی کورکورانه از پارادایم‌های تفسیری، نتایج اسفباری برای جهان سوم به بار آورده است و حق آن است تا با توجه به نیازهای هر جامعه با یک دید انتقادی نظریه‌های مزبور با شرایط مشخص انطباق داده شوند.

اما متأسفانه حتی موقعی که قرار است مطالعات رسانه‌ای غیر غربی گردند، سایه غربی‌ها باز هم سنگین است؛ ۱۵ تن از نویسندگان ۲۲ مقاله چاپ شده غربی هستند. «شرقی» کردن مطالعات رسانه‌ای بوسیله غربی‌ها گاه می‌تواند نتایج غریبی در پی داشته باشد؛ «هلگه رونینگ» روزی رییس گروه ارتباطات دانشگاه اسلو در بررسی تلویزیون زیمبابوه آن را متهم به بیماری «شیزوفرنیک» می‌کند؛ پیش‌تر از «مردم‌شناسان» غربی مفهوم «فرهنگ‌های شیزوفرنیک» را شنیده بودیم و حال در مطالعات رسانه‌ای «شرق گرایانه» آنها متوجه می‌شویم که سازمان‌های رسانه‌ای جهان سوم نیز «شیزوفرنیک» اند.

### ○ تزا میرفخرایی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - گروه ارتباطات

جیمز کوران، پروفیسور ارتباطات در کالج گلداسمیت دانشگاه لندن، یکی از نظریه‌پردازان سرشناس رویکرد اقتصاد - سیاسی در سطح جهانی است. وی پیشتر به همراه جین سائر کتاب «قدرت بدون مسؤلیت» را در مورد تاریخ اجتماعی مطبوعات انگلیس از زاویه‌ای انتقادی نوشته بود. کوران با گردآوری مقالات ارزشمند، کتاب‌های بسیار مهمی درباره رسانه‌ها و مطالعات فرهنگی تقدیم علاقه‌مندان کرده است. کتاب حاضر که به همراه می‌یونگ - جین پارک استاد ارتباطات دانشگاه ملی سنول تدوین یافته است نیز دقیقاً از این دست مجموع مقالات گردآوری شده می‌باشد.

کوران و می‌یونگ - جین پارک با برخوردی انتقادی به دوگانگی جهانی / محلی مطرح می‌سازند که لیبرالیسم اقتصادی و رشد رسانه‌ها در یک بازار کاملاً آزاد با واقعیت‌های موجود جهان سوم همخوانی ندارد. براین اساس، آنها با انتقاد از نظریه‌های نوین جهانی‌گرایی در عرصه مطالعات رسانه‌ای که آن را همان «امپریالیسم فرهنگی» غربی در لباسی نوین ارزیابی می‌کنند به گردآوری مقالات گوناگون در پاسخ به سوالات زیر اقدام کرده‌اند: چگونه رسانه‌ها با قدرت در جامعه ارتباط برقرار می‌سازند؟ چه کسی، چگونه، رسانه‌ها را تحت نفوذ خود دارد؟ طبیعت قدرت رسانه‌ای